

## (عرفان و معنویت در مثنوی نیرنگ عشق از غنیمت کنجاهی)

مبارکه موسوی  
پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی  
دانشگاه کشمیر

### چکیده:-

نام گرامی او ملاً محمد اکرم پنجابی بود و تخلص او غنیمت ، در سال ۱۱۰۷ هـ در قصبه کنجاه که متعلق به گجرات است به دنیا آمد . در دور حکومت پادشاه عالمگیر در نزد نواب مکرم خان خدمت می کرد ، از آثار او یک دیوان داشت که بسیار مختصر بود و شامل غزلیات صوفیانه و عاشقانه است ، معانی لطیف و تازه در غزلیات و اشعار او دیده می شود . او در اشعار خود سبک هندی را اختیار کرده است . از آثار او بویژه مثنوی نیرنگ عشق بسیار شهرت دارد. مثنوی نیرنگ عشق که پر از تشبیهات و استعارات است گویایی معنی خیال بندی و آفرینش اوست . مؤلف کلمات شعراء درباره غنیمت کنجاهی چه خوب گفته است ، " از خاکیان هند غنیمت بوده ". در این مقاله در مورد بهترین مثنوی او یعنی نیرنگ عشق ذکر خواهد شد و درباره تمام نکات های عرفانی که در مثنوی او ظاهر است مطرح شده و معنویت واضح خواهد شد .

کلید واژه ها :- غنیمت کنجاهی ، نیرنگ عشق ، دیوان غنیمت ، معنویت ، عرفان.

### مقدمه :-

مولانا محمد اکرم غنیمت پنجابی (کنجاهی) از شاعران قرن دوازدهم هجری زبان فارسی است . اجدادان او اصلاً از شام بودند که بعد ها به طرف هند مهاجرت کرده و ساکن منطقه پنجاب شدند . غنیمت نیز در قریه "کنجاه" در پنجاب تولد یافت. پدر او نذر محمد نام داشت که مفتی کنجاه بود . سال تولد وی دقیقاً معلوم نیست . ولی بسیاری از تذکره نگاران او را هم عصر اورنگزیب عالمگیر پادشاه گورکانیان هند و مصاحب و ندیم نواب محمد مکرم خان حکمران لاهور دانسته اند. همانطور که حسین در تذکره خود درباره غنیمت کنجاهی چنین ذکر کرده است :- " شاعر مکرم ، محمد اکرم ، متخلص به غنیمت از مفتی زاده های قصبه کنجاه بود ، من مضافات گجرات شاه دولا ، و در عهد عالمگیر پادشاه به خدمت نواب مکرم خان به سر می برد ". (تذکره حسین ۱۲۹۲).

مرحوم ذبیح الله صفا ، غنیمت را چند گاهی مصاحب میر محمد اسحاق ، مخاطب به مکرم خان دانسته که از سال ۱۱۰۶ تا ۱۱۰۸ هـ ناظم لاهور بوده و پس از آن به علت پیوستن به سلسله صوفیان قادری از ملازمت‌های درباری و حکومتی دست برداشته و پس از مدتی سیروس‌سیاحت و اقامت در کابل ، به پنجاب بازگشته و حدود سال ۱۱۵۸ هـ در همانجا در گذشته است . (صفا، ۱۳۶۴) و نواب صدیق حسن خان نیز همین جمله را ذکر کرده است . (تذکره شمع انجمن ص ۳۵۶) . سراج الدین علی خان آرزو ، غنیمت را از قصبه کنجاہ دانسته که قصبه ایست از مضافات لاهور ، و بسیار خوش زبان و معنی تلاش است . از بعضی شاگردان شنیده که شاگرد میر محمد زمان راسخ بوده ، در اواسط عهد عالمگیر ، در ملک پنجاب طنطنه شاعری کوس لمن الملک می زده ، علی الخصوص که از جهت مثنوی او که قصه شاهد و عزیز را موزون کرده و بسیار به مزه گفته ، خصوصا داستان مکتب که از غایت خوبی شهرت تمام دارد . (مجمع النفایس ، ص ۶۸) . غنیمت از زادگاه خود بسیار علاقه مند بود و در کل زندگی اش یک بار هم قصد سفر به ایران می کرد پشیمان می شد و می گفت :-

نخواهم لاله زار گلشن ایران که سر برزد      گل داوودی صبح وطن از خاک پنجابم

(دیوان: ۲۲۳)

اگر چه تذکره نگاران ، سال تولد وی را نه نوشته اند ، ولی از آن که غنیمت معاصر با اورنگزیب عالمگیر ، و محمد افضل سرخوش ( صاحب کلمات الشعراء) بوده است و اورنگزیب به سال ۱۷۰۷ میلادی برابر با ۱۱۱۸ هـ ق و سرخوش به سال ۱۷۱۴ م - ۱۱۲۷ هـ ق از دنیا رفته اند ، به نظر می رسد که وی در نیمه دوم قرن یازدهم پا به عرصه وجود گذاشته است ، و اینکه چند سال در قید حیات بوده آن هم معلوم نیست . میرزا سرخوش نوشته است " غنیمت از خاکیان هند غنیمت بوده " . دیوان مختصر داشت ، مثنوی نیز فکر کرده ، این واقعه ۱۱۵۸ هـ ق می باشد . (کلمات الشعراء ۸۲: ۱۹۴۲) و مقدمه دیوان غنیمت ص ط . سرخوش به سال ۱۰۵۰ هـ در کشمیر به دنیا آمده و در سال ۱۱۲۷ هـ از دنیا رفته است و ماده تاریخ وفات او چنین است :- " از جهان رفت آه عارف پاک " ، و دکتر ادیس احمد ، استاد شعبه فارسی دانشگاه دهلی ، وفات سرخوش را محرم ۱۱۲۶ هـ و ژانویه ۱۷۱۴ ع در ۷۶ سالگی دانسته است . (سرهند مین فارسی ادب ،

۱۰۱، ۱۹۸۸) و میر محمد زمان که استاد غنیمت بوده، به سال ۱۱۰۷ هـ از دنیا رفته است. و قدرت الله گوپاموی نیز گفته است: "آخر کار او آخر مأنه حادی عشر (۱۱۰۰) نقد حیاتش به غنیمت دست اجل در آمد. (تذکره نتایج الافکار، ۵۱۶: ۱۳۳۶)، بنابراین قول مصحح دیوان غنیمت که سال وفات غنیمت را همزمان با سال تکمیل تذکره کلمات الشعراء اثر سرخوش، و سال ۱۱۵۸ هـ دانسته است. (مقدمه دیوان، ص ۷) نمیتواند مقرون به صحت باشد و دهه سوم سده دوازدهم هجری درست تر خواهد بود. قبر غنیمت در سمت جنوب کنجاه نزدیک باغ دیوانان است.

غنیمت اصول و روش شاعری را از میر محمد زمان راسخ یاد گرفت. در دیوان او میتوان از توجه او به طرف عرفان و تصوف را درک کرد. سبب این توجه به علت شیخ عبدالقادر گیلانی است. در مقدمه دیوان غنیمت وی درباره خود گفته است "که در کودکی به خواندن و نوشتن علاقه نداشت و شب و روز بازی می کرد و بنا به دیداری که با شاه صالح محمد از اولاد شیخ محی الدین عبدالقادر گیلانی و اتفاق می افتد و مرید او می شود که صاحب کرامات بوده و در چهارمیلی شرق گجرات در روستای زندگی ساده داشته است. (دیوان غنیمت، مقدمه، ص ب).

### دیوان شعر:-

این کتاب در ۳۱۶ صفحه، به سال ۱۳۳۷ هـ ق (۱۹۸۵) با تصحیح و مقدمه پروفیسور غلام ربانی عزیز، در لاهور از طرف انتشارات پنجابی ادبی آکادمی به چاپ رسیده و مقدمه ای منبسط نیز به قلم نام برده و در چهل و شش صفحه به زبان اردو در آغاز دیوان آمده است که قسمتهایی از آن نیز مورد استفاده این جانب قرار گرفت. دیوان غنیمت شامل ۳۲۱ غزل، ۹۹ بیت مفردات و ۱۲ رباعی است. ۵ قصیده نیز در پایان کتاب آمده است که دو قصیده در مدح و نعت رسول گرامی اسلام و دو قصیده نیز در مدح غوث الاعظم گیلانی است و یک قصیده هم در مدح آمده که بدون نام ممدوح است. و به نظر میرسد در مدح اورنگزیب عالمگیر باشد.

### نیرنگ عشق:-

این مثنوی در بحر هزج مسدس مخذوف (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) آمده و به مثنوی عزیز و شاهد نیز مشهور است و به همین سبب، آغاز آن هم با نام آن دو شروع شده است.

به نام شاهد نازک خیلان

عزیز خاطر آشفته حالان

ز مهرش مینها جولان گه برق

دل هر ذره در جوش انا شرق

نیرنگ عشق مثنوی غنیمت کنجاهی در ۸۵ صفحه حدود یکصد سال پیش در هندوستان به چاپ رسیده است و مجموعاً حدود ۱۶۰۰ بیت دارد. مولانا غنیمت در پایان مثنوی یاد شده، دربارهٔ سال تألیف تعداد ابیات وجه نام گذاری این قصه و تاریخ اتمام مثنوی چنین آورده است:-

چو من این گوهر سیراب سفتم

شنیدم را مبارکباد گفتم

ز چشم بلبلان کردم دو اتی

نو شتم همچو گل رنگین براقی

چو ابیاتش پس از گفتن شمردن

"با عداد غنیمت" راه بردم

(بیت ۱۵۸۲)

مثنوی نیرنگ عشق در هند شهرت بسیاری را دارد. تمام شعرهای غنیمت چه مثنوی، چه غزل یا قصیده باشد دارای سلاست و روانی و پختگی را دارد. او در غزل پیروی صائب و بیدل را کرده است و سبک سخن او هندی (اصفهان) است. و بحرهای رمل و هزج نیز در دیوانش نمود بیشتری دارد. سخنانش چاشنی عرفان را دارد که در مثنوی نیرنگ عشق ظاهر است. بعضی از شعرهای او شیوه ای را که دارد در شعرهای "ناصر علی سر هندی" هم دیده می شود. در اشعار غنیمت ابهامی ملایم و معتدل وجود دارد. ابهامی که تنها با توجه بیشتر دروازه ها شکسته شده و معنا و مفهوم آن نمایان می شود. این نوع ابهام، باعث ملاحظت و گیرایی شعر شده و درگیری ذهن خواننده با شعر را به همراه دارد. در مقابل، تمثیل و مقارنه در اشعار غنیمت جایی ندارد، در حالی که در اشعار دیگر شاعران سبک هندی بسیار به چشم می خورد. ولی تجسیم، حس آمیزی، متناقض نمایی و اغراق های دلربا در اشعار غنیمت فراوان یافت می شود که باعث زیبایی و احساسی تر شدن اشعارش می شود. بیشتر اشعار غنیمت غزل است. ولی مثنوی نیرنگ عشق یک مثنوی عارفانه است که نام دیگر "عزیز و شاهد" است، با مناجات خدا و نعت رسول اکرم ص آغاز می شود و پس از منقبت شیخ عبدالقادر گیلانی و شاه صلح محمد و مدح اورنگزیب عالمگیر، به بیان روایت عاشقانه ای "عزیز و شاهد" می پردازد. شعری از این مثنوی که بسیار زیباست از عشق سخن می گوید:-

مبادا هیچ دل بی عشق بازی

اگر باشد حقیقی یا مجازی

مجاز آینه دار روی معنی است      سراین جاده هم در کوی معنی است  
حاصل سخن اینکه غنیمت از شاعران اواخر سده یازدهم و اوایل سده دوازدهم  
که شعرش دارای مضامین پیچیده و تعقیدات لفظی و معنوی خالی ولی بسیار روان  
و سلیس می باشد و نیز چاشنی عرفان همراه دارد. بررسی همه جانبه احوال و آثار  
غنیمت، در این اندک نهی گنجد و در آخربه این شعر مقاله خود را به اتمام می  
رسانم.

معانی هرگز اندر حرف ناید      که بحر قلزم اندر ظرف ناید  
(گلشن راز، محمود شبستری)

### منابع:-

- ۱- احمد ادريس؛ سرهتدمین فارسی ادب؛ شعبه فارسی دانشگاه دهلی، دهلی، ۱۹۸۸ م.
- ۲- آرزو، سراج الدین علی خان؛ مجمع النفايس (تذکره شعرای فارسی سده دوازدهم) تصحیح  
عابد رضا بیدار، از انتشارات خدا بخش اورینتل پبلک لائبریری پتنه هند، چاپ دوم، پتنه  
۱۹۹۲ م.
- ۳- آزاد بلگرامی، میر غلامعلی؛ سرو آزاد؛ چاپ هند، بی جا، بی تا.
- ۴- خیام پور، ع؛ فرهنگ سخنوران؛ تهران؛ انتشارات طلایه؛ ۱۳۷۲ ش.
- ۵- خلیل بنارسی، علی ابراهیم خان با صحف ابراهیم، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران،  
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۵ ش.
- ۶- دوست سنبلی، میر حسین، تذکره حسین، مطبع نامی نول کشور هند، ۱۲۹۲ ه.ق. (۱۸۷۵ م).
- ۷- سرخوش، محمد افضل، کلمات الشعراء، لاهور، ۱۹۴۲.
- ۸- غنیمت، محمد اکرم، نیرنگ عشق، مطبع نامی نول کشور، هند، بی تا.
- ۹- غنیمت، محمد اکرم، دیوان، تصحیح غلام ربانی عزیز، چاپ آکادمی ادبیات پنجاب، پاکستان  
۱۹۵۸ م.

\*\*\*\*\*